

The Concepts and Basics of Reversing Proof of Evidence in the Crime of Money Laundering with a Religious Approach

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

Authors

Jasem Rashidi ¹
Bagher Shamloo ^{2*}
Alireza Saybani ³

How to cite this article

Jasem Rashidi, Bagher Shamloo, Alireza Saybani, The Concepts and Basics of Reversing Proof of Evidence in the Crime of Money Laundering with a Religious Approach, *Journal of Islamic Life Style Centeredon Health*, 2021:5(2); 258-269

1. PhD student, Department of Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Bandar Abbas Branch, Bandar Abbas, Iran.

2. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

3. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Bandar Abbas Branch, Bandar Abbas, Iran.

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: baghershramloo@gmail.com

Article History

Received: 2021/05/07

Accepted: 2021/08/21

ABSTRACT

Purpose: The purpose of this article is to examine the reversal of evidence in the crime of money laundering. Money laundering means considering the origin of dirty money as legitimate, among the new crimes that have been approved by the legislator with greater sensitivity due to its specific characteristics and apparent conflict with some legal foundations and documents. At first glance, it does not seem that it has a conflict with some jurisprudential documents. One of these examples is the burden of proof process. Usually, in criminal lawsuits, the burden of proof is on the prosecutor, and accordingly, he is obliged to prove the constituent elements of the alleged crime. But this trend is reversed in the crime of money laundering and the burden of proving the legitimacy of the obtained money is placed on the accused. This issue makes it important and necessary to investigate this issue to determine the verdict of the case. Accordingly, the main question of the research is, what are the basics of reversing the burden of proof in the crime of money laundering?

Materials and methods: The method of the current research is descriptive-analytical, which has been used to collect information through the study of documentary and library sources.

Findings: The findings of the research show that, in proving money laundering, contrary to certain principles governing the process of criminal proceedings such as the principle of innocence, the principle of authenticity, and the principle of evidence, exceptionally and due to the importance of the crime of money laundering inside and outside the country, from the basics The aforementioned has been reversed, and in case of suspicion and doubt regarding the property and transactions, it is the possessor who must prove the absence of money laundering before the judicial system, which is known as reversing proof of proof.

Conclusion: In principle, in proving crimes, the principle is based on innocence, and the principle of authenticity or evidence and possession is respected, and these matters are among the certain principles of criminal law and proceedings arising from it.

Keywords: Crime, Money Laundering, Reason, Proof of Reason, Reversal.

مفاهیم و مبانی معکوس کردن اثبات دلیل در جرم پولشویی با رویکرد دینی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۱۷
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۳۰
* نویسنده مسئول: baghershmlou@gmail.com

مقدمه

پولشویی جرمی با خصیصه فراملی است که اگرچه در سطح ملی نیز ارتکاب می‌یابد اما نگاه ویژه به آن برآمده از گستردگی فرامرزی آن و درنوردیدن مرزهای جغرافیایی توسط بزهکاران آن است. امری که به تدریج با ایجاد مخاطره برای نظام‌های ملی و فراملی به مثابه جرمی مهم، زمینه‌ساز شکل‌گیری اسناد و نهادهایی شده تا به طور منسجم رویکردهای تقابلی و پیشگیرانه را برای مهار آن در چارچوبی منسجم ارائه نمایند.

به‌طور سنتی منظور از پولشویی تطهیر درآمدها و عوائد مجرمانه است. در این راستا، زمانی که درآمدی از یک عمل بزهکارانه حاصل می‌شود برای آنکه بتوان آن را مشروع جلوه داد تا امکان استفاده حداکثری از آن فراهم شود، نیاز است با انجام اقداماتی مشروع جلوه داده شود. همین امر نیز به لحاظ حقوقی در بسیاری از نظام‌های دنیا جرم‌انگاری شده است. در واقع هر عملی که منجر به آن می‌شود که یک دارایی حاصل شده از جرم با پنهان شدن منشاء غیرقانونی، قانونی جلوه نماید. از این رو، هر نوع عملی که با مخفی کردن یا تغییر منشاء کسب عوائد مجرمانه آن را حاصل از اعمال مشروع معرفی کند در تعریف فرایندی و تعریف قانونی، پولشویی محسوب می‌شود (۱).

یکی از مهمترین ابزارهایی که برای کارآمدی نظام مبارزه با پولشویی مدنظر قرار گرفته، راهبردهای حقوقی-کیفری آن است. امری که اگرچه غالباً در چارچوب جرم‌انگاری پولشویی و برخی جرائم مرتبط با آن معنا می‌یابد اما جز ارزشمند دیگری نیز دارد. این جز، نظام ادله اثبات جرم پولشویی است که متأثر از نیازهای روز تلاش شده تا به گذر از نظام ادله اثبات سنتی و اصول در ظاهر غیرقابل خدشه آن، بنابر الزامات اجرایی-عملی موجود، رویکردهای نوینی ارائه نماید تا در پرتو آن زمینه لازم برای حل بسیاری از مشکلات را فراهم سازد. امری که با ایجاد تغییراتی در بار اثبات جرم پولشویی در تلاش است تا زمینه لازم برای حل دشواری‌های اثبات جرم پولشویی را فراهم سازد. امروزه پیچیدگی در ارتکاب جرم پولشویی بر کسی پوشیده نیست. امری که در مواجهه با نظام ادله اثبات سنتی کشف آن را نیز دشوار می‌کند. از این رو، ایجاد تحول در نظام ادله اثبات و به ویژه بار اثبات جرم می‌تواند تا حد زیادی یاری‌کننده کنشگران نظام عدالت کیفری در انجام وظایف باشد.

بر اساس همین مقدمات، قانونگذار ایران نیز رویکرد جدید و سختگیرانه‌ای نسبت به جرایم اقتصادی و به ویژه جرم پولشویی داشته است. در قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ دیده می‌شود که عبارت «جرایم اقتصادی» به‌دو آنکه از پیش تعریف شود، در ماده ۱۰۹ و در کنار جرایم علیه امنیت و جرایم موضوع قانون مبارزه با مواد مخدر به کار برده شده است که از اهمیت این نوع جرایم در نزد قانونگذار حکایت می‌کند. همچنین قانون مبارزه با پولشویی نخستین بار در سال ۸۶ و سپس اصلاحیه آن در سال ۹۷ توسط قانونگذار ارائه شده است. با دقت در متن این قانون مشاهده می‌شود

جاسم رشیدی^۱

دانشجوی دکتری، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بندرعباس، بندرعباس، ایران.

باقر شاملو^{۲*}

دانشیار، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

علیرضا سایبانی^۳

استادیار، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بندرعباس، بندرعباس، ایران.

چکیده

هدف: هدف مقاله حاضر، بررسی معکوس کردن اثبات دلیل در جرم پولشویی است. پولشویی به معنای مشروع قلمداد نمودن منشأ پول کثیف، از جمله جرایم نوینی است که به دلیل خصوصیات خاص آن و تعارض ظاهری با برخی مبانی و مستندات قانونی فقهی، با حساسیت زیادی مورد تأیید مقنن قرار گرفته است. در نگاه اول، این طور به نظر نمی‌رسد که، با برخی از مستندات فقهی، دارای تعارض است. یکی از موارد این مصادیق، فرآیند بار اثبات دلیل است. معمولاً در دعوای کیفری بار اثبات بر عهده دادستان است و بر این اساس، وی مکلف است عناصر تشکیل‌دهنده جرم مورد ادعا را به اثبات برساند. اما این جریان در جرم پول‌شویی معکوس شده و بار اثبات مشروعیت پول به دست آمده بر عهده متهم گذاشته شده است. همین مسئله، اهمیت و ضرورت بررسی این موضوع را می‌رساند تا حکم قضیه مشخص گردد. بر همین اساس سؤال اصلی تحقیق این است که، مبانی معکوس شدن بار اثبات دلیل در جرم پولشویی چیست؟

مواد و روش‌ها: روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی است که از طریق مطالعه منابع اسنادی و کتابخانه‌ای نسبت به جمع‌آوری اطلاعات اقدام نموده است.

یافته‌ها: یافته‌های تحقیق نشان از آن دارد که، در اثبات پولشویی، برخلاف اصول مسلم حاکم بر فرایند دادرسی کیفری نظیر اصل برائت، اصل صحت و اماره ید، به‌طور استثنائی و به واسطه اهمیت جرم پولشویی در داخل و خارج از کشور، از مبانی مذکور عدول شده است و در صورت ظن و تردید نسبت به اموال و معاملات، این متصرف است که باید عدم پولشویی را نزد دستگاه قضایی اثبات کند که این موضوع به معکوس کردن اثبات دلیل مشهور است. **نتیجه‌گیری:** اصولاً در اثبات جرایم، اصل بر برائت است و به اصل صحت و یا اماره ید و تصرف احترام گذاشته می‌شود و این امور از جمله اصول مسلم حقوق کیفری و دادرسی ناشی از آن است.

کلمات کلیدی: جرم، پولشویی، دلیل، اثبات دلیل، معکوس کردن.

نمایندگان مذهبی قبایل عهده‌دار امر قضاوت شدند. در این دوره تحصیل دلیل نیز یا از طریق آزمایش قضایی به عمل می‌آمده و متهم این آزمایش را تحمل می‌کرده و یا از طریق ادای سوگند تحصیل می‌شده است. مواردی هم بوده است که در مقام کسب دلایل فوق-العاده، از قبیل جنگ تن به تن و سوزاندن بر می‌آمدند (۲).

با گذشت زمان و شکل‌گیری امپراتوری رم و در اروپای قرون وسطی به تدریج نظام ادله قانونی رواج یافت. در حقوق قدیم فرانسه در طی قرون ۱۶ و ۱۷ میلادی این سیستم دلایل، معتبر و مجری بوده است. مقررات موضوعه در فرمان جنایی لوئی چهاردهم مورخ ۱۶۷۰م. تابلوی کاملی از این دلایل و طریقه اعمال و اجرای آن‌ها را به ما نشان می‌دهد. این سیستم تا سال ۱۷۸۹م. یعنی انقلاب کبیر فرانسه، به قوت خود باقی مانده است. می‌آورد و گلان حقوقدان برجسته فرانسه که در قرن هیجدهم هم عصر انقلاب کبیر فرانسه می‌زیسته است می‌گوید: «چهار قسم دلیل پذیرفته می‌شده که عبارت بودند از گواهی، اقرار، اسناد و فروض قانونی». در این دوره، نیمه دلیل را هم می‌پذیرفتند؛ دلایلی که در حقیقت جز یک حدس و گمان ساده چیز دیگری نبودند، یک چهارم دلیل و حتی یک هشتم دلیل را هم می‌پذیرفتند. مثلاً یک شایعه را یک چهارم دلیل و شایعه ضعیف‌تر را یک هشتم دلیل به حساب می‌آوردند.

در زمان انقلاب کبیر فرانسه، روش اقرار و وجدان دادرسی جایگزین نظام ادله قانونی گردید که امروزه نیز در قانون آیین دادرسی کیفری این کشور نمود دارد. قانونگذار ایران نیز نظام ادله معنوی را از طریق قانون اصول محاکمات جزایی مصوب ۱۲۹۰ هجری شمسی از قانون آیین دادرسی کیفری ۱۸۰۸ میلادی فرانسه اقتباس کرد و با ترکیب آن با نظام ادله قانونی، یک سیستم تلفیقی را از دو نظام که بر مبنای علم قاضی استوار گردیده بنا کرد. امری که امروزه از آن می‌توان به نظام ادله مختلط یاد کرد. با مطالعه در سیستم‌های دلایل قانونی و معنوی این نتیجه حاصل شد که استفاده توأم از دو سیستم دلایل فوق عدالت بیشتری را تضمین و تأمین می‌کند. از طرفی وظیفه قضات رسیدگی به دعاوی در چهارچوب نظرات قانونگذار بوده و از طرف دیگر به آنها اجازه هر نوع تحقیق و بررسی جهت اجرا و اعمال نظرات مقنن داده می‌شود و بنابر این قوای مقننه و قضائیه هر دو در امر دادرسی دخالت و ایفای نقش می‌نمایند.

لذا سیستم خاصی بنام سیستم دلایل مختلط بوجود آمد. در این دوره صدور حکم محکومیت متهم منوط به آن بوده که اولاً از دلایل قانونی و مورد نظر قانونگذار استفاده شود و ثانیاً دلایل قانونی مورد استفاده قضات، برای آنها اطمینان و قناعت و وجدانی حاصل نماید. در غیر این صورت دادگاه چاره‌ای جز حکم برائت متهم ندارد. با این حال، تحولات فناوری از یک سو و فنی و تخصصی شدن برخی گونه‌های جرایم راه را برای ورود به نظام ادله اثبات علمی باز کرد. در این دوره کارشناس به‌عنوان یک مرجع جدید وارد فرایند عدالت کیفری می‌شود و با استفاده از دانش خود، راهنمایی‌ها و موازین جدید مطمئنی را عرضه می‌کند. او عدم اعتمادها، تردیدها، ذهن‌گرایی‌ها، تخیلات و نظریات نامطمئن را در امر قضاوت از بین برده و یا به حداقل می‌رساند. لیکن علم و ایمان قاضی، هنوز و همیشه باید ضابطه نهایی در ارزیابی آزاد دلایل شناخته شود. ولی

که در قسمتهای گوناگونی از قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۹۷، این نکته به صراحت بیان شده است که مسئولیت اثبات صحت معامله، تحصیل مشروع مال و ... بر عهده متهم است.

تبصره ۱ ماده ۲ بیان میدارد: «هرگاه ظن نزدیک به علم به عدم صحت معاملات و تحصیل اموال وجود داشته باشد، ... مسئولیت اثبات صحت آنها بر عهده متصرف است».

در تبصره ۲ همین ماده آمده است: «دارا شدن اموال موضوع این قانون منوط به ارائه اسناد مثبت می‌باشد» و در تبصره ۳ ماده یاد شده گفته است: «... مگر اینکه تحصیل مشروع آن اثبات شود».

با این مقدمه، این اشکال بر قانون وارد میگردد که بر پایه قواعد فقهی و حقوقی، گذاشتن بار و مسئولیت اثبات بر عهده متهم، خلاف اصول، قواعد فقه و قانون است؛ چرا که در فقه این قاعده وجود دارد: «البینه علی المدعی و الیمین علی من انکر» و همچنین اصل ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ابراز می‌دارد: «اصل، برائت است و هیچکس از نظر قانون مجرم شناخته نمیشود، مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد».

هرچند معکوس شدن بار اثبات در این جرم خاص با توجه به جایگاه ویژه و خاص آن در نزد قانونگذار و وجود سیاست پیشگیرانه و سختگیرانه وی که بیان شد، قابل توجیه است، ولی با توجه به قواعد عمومی دادرسی کیفری و اصل تفسیر قانون بر اساس این قواعد، بایستی ایراد یاد شده از راه علمی رفع شود. پس می‌توان گفت، با توجه به پیچیدگی‌های ارتکاب جرم پولشویی به ویژه با استفاده از ابزارها و راهکارهای نوین و فناورانه، به وضوح می‌توان نیاز به ایجاد تحولات حقوقی-کیفری مرتبط را احساس کرد. در این میان، ادله اثبات کیفری از نقش پررنگ و قابل توجهی برخوردار هستند. بر این اساس، نظام ادله اثبات کیفری در خصوص جرم پولشویی و بار اثبات جرم در این چارچوب، متأثر از اسناد فراملی همواره موضوع مهمی در نظام‌های حقوقی داخلی محسوب می‌گردد که پژوهش پیرامون آن امری اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. از این رو، تحقیق حاضر در تلاش است تا با نگاهی همه‌جانبه این مهم را بررسی و در چارچوب نظام حقوقی مورد تحلیل قرار دهد. بر همین اساس مسئله‌ای که این تحقیق قصد داشته بدان پاسخ دهد این است که اثبات دلیل در جرم پولشویی چگونه است و معکوس بودن آن بر چه مبانی‌ای استوار است؟

چارچوب نظری

تاریخ حقوق کیفری نشان‌دهنده آن است که نظام ادله اثبات کیفری از تحولات قابل توجهی برخوردار شده است. در حقوق قدیم و نظام رسیدگی اتهامی قدیم اروپا، کاربرد ادله ماوراءالطبیعه برای اثبات جرم، امری طبیعی بود و این گونه ادله اعتبار و ارزش قضایی داشت و توسل به آن‌ها برای اثبات جرم پذیرفته شده بود. در این دوره دلیل آن چیزی است که منتقدان و روسای قبایل به عنوان راهنما برای قضات مورد قبول و عمل قرار می‌دهند و فکر ایشان نیز متأثر از سحر و جادو است که جزء فرهنگ جوامع بدوی است، به همین جهت این دوره را عهد دلایل سحری می‌نامند. به تدریج و در ادامه این دوره، دوره دلیل بر مبنای اعتقادات مذهبی شکل گرفت و

تعقیبی است؛ چون تعقیب جرایم اصولاً بر عهده دادستان عمومی است (۱۱).

هنگامی که اساساً دادستان مکلف به اثبات ادعای خود علیه متهم در مورد ارتکاب جرم یا لوازمی که مانع از معافیت متهم از مسئولیت یا مجازات شود، باشد و این تکلیف به حکم قانون از دوش دادستان برداشته و بر دوش متهم قرار داده شود، گفته می‌شود بار اثبات معکوس شده است و با معکوس شدن بار اثبات در واقع فرض مجرمیت جایگزین فرض برائت می‌شود. از دلایل عدول قانونگذار از اصل کلی برائت و معکوس کردن بار اثبات میتوان به: اوضاع و احوال، میزان پیچیدگی جرایم و تناسب بین نفع عمومی و نفع متهم اشاره کرد (۱۲).

در جرم پولشویی نیز با توجه به پیچیدگی و اهمیت برخورد سختگیرانه با آن، در کنوانسیون‌های بین‌المللی و قوانین داخلی کشورها، بر تعدیل اصل برائت و بار اقامه دلیل تأکید شده است؛ یعنی همان چیزی که با عنوان «از کجا آورده ای؟» مطرح گردیده است (۱۳).

مواد و روش‌ها

روش تحقیق این مقاله کتابخانه‌ای و به روش توصیفی-تحلیلی می‌باشد. نخست در یک مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی، پژوهش‌ها و منابع موجود داخلی و مرتبط با موضوع جمع‌آوری و طبقه‌بندی گردید. به عبارتی، اطلاعات خام و متغیرهای مورد نیاز شناسایی و اطلاعات پایه و مستندات موجود از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و مستندات قبلی جمع‌آوری شد. در مرحله بعدی به بررسی کیفیت اطلاعات، بررسی صحت اطلاعات و تفکیک و دسته‌بندی اطلاعات پرداخته شده که پس از آن اطلاعات مورد نیاز در این رابطه به وسیله مراجعه به کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها و مقالات ذی‌ربط با روش تحلیلی و توصیفی انجام شد. در انتها بعد از فیش‌برداری از منابع موجود و جمع‌آوری شده به تجزیه و تحلیل مواد قانونی مرتبط پرداخته شده، که نهایتاً منجر به تهیه و تدوین مقاله گردید.

یافته‌ها

مرور تاریخی در اسناد بین‌المللی در خصوص بار اثبات دلیل در جرم اگرچه نشانگر آن است که این مورد ابتدائاً در ماده ۹ اساسنامه دیوان نورنبرگ مصوب ۱۹۴۵ در خصوص «جرائم علیه بشریت» «جرائم جنگی» «جرائم علیه صلح» بیان گردید، لکن با کمی دقت نظر مشاهده می‌گردد آن چه باعث شمول آن در عرصه بین‌الملل شده از زمان تصویب کنوانسیون وین درباره مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روان‌گردان در سال ۱۹۸۸ است و پس از آن نیز کنوانسیون‌های پالمو و مریدا آن را مورد بحث قرار دادند. گرچه بار اثبات دلیل یا به تعبیر دیگر برائت از اواخر سده نوزدهم میلادی تحت تأثیر آموزه‌های مکتب کلاسیک، جایگاه خود را در حقوق کیفری کشورهای مختلف پیدا نموده ولی در تاریخ حقوق کیفری، این اصل از جایگاهی قدیمی برخوردار بوده است. برای مثال در حقوق روم آنتونیوس یکی از دست‌پروردگان مکتب رواقی که قائل به لزوم توافق قانون با اصول اخلاقی و مبتنی بودن مسئولیت

نظر شخصی قاضی نمی‌تواند یک روش کنترل حقیقت باشد. سیستم دلایل علمی در واقع جلوه‌ای از سیستم دلایل معنوی است و مغایرتی با آن ندارد، زیرا در سیستم دلایل معنوی هم قاضی مجاز به استفاده از دلایل علمی برای حصول اقتناع وجدان خویش است؛ بنابراین تفکیک این دو سیستم از یکدیگر مقرون به صواب به نظر نمی‌رسد. آنریکوفری استاد فقید حقوق جزای دانشگاه رم که به عنوان پایه‌گذار مکتب جامعه‌شناسی کیفری شهرت یافته، عقیده دارد که در آینده به تدریج سیستم دلایل معنوی جای خود را به سیستم دلایل علمی خواهد سپرد. در سیستم مزبور تجربیات علمی از قبیل دلایل فیزیکی، شیمیایی و مکانیکی، دلایل حاصل از انسان‌شناسی و روان‌شناسی و غیره، مبنای طرق اثبات خود بوده و به کمک آن‌ها دقیقاً مجرمان شناسایی و بالمآل بزهداری در جامعه کاهش خواهد یافت (۳).

بر این اساس، تکیه اصلی بر علم قاضی قرار می‌گیرد که با استفاده از قرائن و امارت و نتیجه کارهای کارشناسی حاصل می‌شود. امری که در اثبات جرم پولشویی به نحو قابل توجهی قابل مشاهده است. کشف حقیقت مطلق و صدور حکم عادلانه براساس آن، مهم‌ترین هدف دادرسی‌های کیفری است و این مهم جز از طریق تحصیل دلیل امکان پذیر نخواهد بود. دلیل در لغت به معنای راهنما و چیزی است که برای اثبات امری به کار برده می‌شود (۴). همچنین دلیل را به معنای راهنما، راهبر، رهنمون و راه نماینده معنی نموده‌اند (۵).

در فرهنگ کامل فارسی، آن را بر معنای گواه، راهنما، نشان، ... و نیز آنچه برای اثبات امری به کار می‌رود، آمده است (۶). درباره تعریف ادله از نظر اصطلاح علم حقوق، اتفاق نظر وجود ندارد؛ کارشناسان این فن، هر کدام تعریف خاص خودشان را از این واژه ارائه داده‌اند و برخی تعاریف دیگران را نیز به بوته نقد گرفته‌اند. بنابراین مهمترین تعاریف ارائه شده را در ذیل بیان می‌داریم:

- ۱- آنچه وجدان دادرس را در اثبات ادعا قانع می‌کند، در علم حقوق اصطلاحاً دلیل نامیده می‌شود (۷).
 - ۲- راهنمای اندیشه را باید دلیل نامید؛ خواه در این راهنمایی وصول به مجهول مورد نظر باشد یا صرفاً وصول به هدف مورد توجه باشد هر چند که مجهول حل نشود (۸).
 - ۳- دلیل چیزی است که برای اثبات امری در خصوص دعوی به کار می‌رود. قوانین که جنبه اثباتی دارند و کاشف از امری می‌باشند دلیل نامیده می‌شود (۹).
 - ۴- ادله اثبات دعوا در مراجع قضایی به کار می‌رود و ادعای مدعی را می‌تواند اثبات کند (۱۰).
- قانون مدنی ایران نیز در تعریف دلیل در ماده ۳۵۶ مقرر نموده است: «دلیل عبارت است از امری که اصحاب دعوی برای اثبات دعوا یا دفاع از دعوی به آن استفاده می‌نمایند».

دادستان که از آن به مدعی العموم نیز تعبیر می‌شود، مدعی دعوی عمومی تلقی می‌شود و حتی در جرایم قابل گذشت نیز پس از طرح شکایت از سوی شاکی خصوصی، این دادستان است که متصدی اقدام

تحدید تضمینات دادرسی عادلانه
دادرسی عادلانه و منصفانه همواره به عنوان مبنایی برای احترام به کرامت بشری مطرح بوده که نمود قابل توجهی در قلمرو حقوق کیفری داشته است. در این چارچوب، احترام به حقوق بنیادین متهمان و ناقضان قانون در پرتو حقوقی چون حق دفاع و آزادی در فرایند کیفری مورد تأکید بوده است. امری که از آن با عنوان اصل تساوی سلاح‌ها در پهنه نظام دادرسی کیفری یاد می‌شود. از این رو، آیین دادرسی کیفری که همواره محل تقابل حقوق عمومی و حقوق فردی بوده است باید با اتخاذ رویکردهای مطلوب، تناسب میان آنها را حفظ نماید.

بدین ترتیب، لزوم تأمین عدالت و انصاف در فرایند دادرسی برای تمامی اطراف دعوا در همه مراحل و مقاطع دادرسی کیفری؛ از دادسرا تا محاکم کیفری، راهکاری مؤثر جهت کنار گذاردن اندیشه توجیه وسیله به واسطه هدف است که به نوعی با اتخاذ رویکردهای امنیتی تلاش مضاعفی را در ایجاد تحدید حقوق و آزادی‌های فراهم می‌سازد. در حقیقت، اقتضای دادرسی عادلانه آن است تا با اتخاذ اصولی چون تساوی سلاح‌ها و انسانی کردن رسیدگی تحقق حقوق کیفری انسانی شده یا حقوق بشری را فراهم سازد. امری که عدول از آن و نادیده گرفتن حقوق اساسی طرفین دعوا، نقضان دادرسی عادلانه را در پی خواهد داشت. در این راستا، برخی بهانه‌ها همچون امنیتی شدن جرم یا مخاطرات جرایم فراملی و سازمان‌یافته نباید دستاویزی برای عدول از اصول دادرسی عادلانه قرار گیرد. الزامات اخیر حقوق بشر، متضمن ضرورت توجه به این اصول و قواعد، در قوانین کیفری و اسناد بین‌المللی است (بیگ زاده، ۱۳۸۴: ۸۵).

همچنین، به‌طور سنتی، بهانه حفظ نظم عمومی در راستای نقض آزادی‌ها، همواره بهانه دولت‌ها و نظام عدالت کیفری و قوای قاهره موجود بوده است. امری که با ایجاد دو قطبی امنیت و آزادی در تلاش است تا گفتمان افزایش امنیت به واسطه کاهش آزادی را تقویت سازد. در واقع، تا به این لحظه هر جا سخن از ترازمندی و ایجاد تعادل میان واژه‌های «تأمین نظم» و «امنیت» و امثال آن، با «حقوق فردی» مطرح شده است، کفه ترازو به ضرر حقوق فردی متمایل بوده است (۱۱).

این در حالی است که باید مبنای وجود حقوق کیفری را تدمین نظم عمومی در چارچوب حفظ حقوق فردی و شهروندی دانست. در این راستا، امروزه در برخی جرایم مهم و به ویژه جرایم سازمان‌یافته فراملی همچون پولشویی و تروریسم، از این اصل بنیادین عدول شده و سیاست‌گذاران ملی و فراملی، با اتخاذ سیاست جنایی امنیت-مدار، در تلاشند تا با چشم‌پوشی از برخی حقوق متهمان، به معکوس کردن بار اثبات دلیل در این جرایم بپردازند. در حقیقت، رویکردهای جرم‌شناختی و سیاست جنایی در آغاز هزاره سوم، تحت تأثیر برخی وقایع، همچون حادثه یازده سپتامبر ۲۰۰۱، زمینه لازم را برای تغییر رویکردها ایجاد کرد به طوری که در چارچوب برخی اسناد فراملی همچون، کنوانسیون مریدا و پالرمو، به کشورها توصیه شده تا در خصوص برخی جرایم مانند پولشویی با وجود امارات و شواهدی که ظن ارتکاب جرم را تقویت کرده، اقدام به

کیفری بر نیت مجرمانه و نه نتیجه مجرمانه بود، اعتقاد داشت در موارد شک و تردید نسبت به مجرم بودن متهم باید به سود او رأی داده شود و تا گناه کسی اثبات نشد بی‌گناه شناخته می‌شود. از نظر مبنا در حقوق کیفری اسلام جایگاه این اصل را باید در قاعده معروف «رد حدود به سبب شبهات» جستجو نمود. امروزه به دلیل اینکه حقوق جزا و به ویژه دادرسی کیفری تحت نفوذ کامل حقوق عمومی درآمده است و مقامات تعقیب در امر کیفری اعم از دادستان و غیره به عنوان مدعی‌العموم در مقابل متهم دارای قدرت زیادی هستند که به موجب آن به راحتی امکان استفاده از قوای عمومی و دیگر تضمین‌های ویژه را دارا می‌باشند و در مقابل، متهم از هیچ یک از این امکانات بهره‌مند نیست، کفه ترازوی عدالت کیفری به نفع مدعی‌العموم سنگینی می‌کند و در نتیجه، عدالت حقوقی بیش از پیش لزوم اعمال اصل برائت در امور کیفری را آشکار می‌سازد. در حقوق انگلستان اصل برائت مبتنی بر حقوق عرفی است و این اصل از یک سری احکام قضایی استننا شده است. به رغم حاکمیت اصل برائت اما در مواردی از آن عدول می‌شود، در جرم علیه امنیت در قوانین کشورها از اصل برائت عدول شده است (۱۴).

در قانون مجازات آلمان با فرض اینکه اموال و دارایی‌های مشکوک و مظنون از یک سری جرایم حاصل شده پیش‌بینی گردیده است، به گونه‌ای که اگر متهم نتواند منشأ مشروع اموال مظنون خود را اثبات نماید. این اموال مصادره خواهد شد. توجه قانونگذار کشور آلمان نیز منطبق با کنوانسیون‌های بین‌المللی و اسناد منطقه‌ای می‌باشد. در حقوق فرانسه با توجه به وجود مشکل در اثبات شناخت و آگاهی مجرم از منشأ اموال بازبایی شده وجود دارد، قانونگذار را وادار به پذیرش اماره مجرمیت بر اصل برائت نموده است. به عبارت دیگر در تمامی موارد که اتهامی متوجه متهم است این مدعی‌العموم است که وظیفه ارائه دلیل را دارد اما در بزه پولشویی با توجه به اینکه اثبات منشأ نامشروع بودن اموال امری بسیار مشکل می‌باشد و در برخی موارد غیرممکن و این امر موجب تبرئه متهم می‌شود و نوعی دارا شدن ناحق و ناعادلانه می‌باشد، لذا راه حل اساسی را در این دیده اند که بار ارائه دلیل معکوس گردد. انجمن بین‌المللی حقوق جزا در قطعنامه شانزدهمین کنگره بین‌المللی حقوق جزا پیرامون «سیستم کیفری در مقابل چالش جرم سازمان‌یافته» پیشنهاد داد در موارد جرایم سازمان‌یافته اگر دادگاهی توانست اثبات کند که موسسه‌ای در ارتکاب اینگونه جرایم دخالت داشته است می‌تواند اموال مربوط به فعالیت‌های آن موسسه را مصادره نماید مگر اینکه صاحب آن اثبات کند که آن‌ها را از راه‌های قانونی به دست آورده است. در کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه جرایم سازمان‌یافته معروف به پالرمو نیز در ماده ۲۴ آمده است: «دولت‌های عضو موظف هستند که در ارتبا با اموال مشکوک نیز از متهم درباره اصالت و مشروعیت درآمدهای مورد اتهام و دیگر اموال مشکوک و در معرض مصادره توضیح بخواهند و در صورت عدم کفایت توضیحات متهم و عدم اثبات مشروعیت درآمدها، این اموال ضبط و مصادره گردند.» توجه اسناد بین‌المللی به بار اثبات دلیل و تحمیل اثبات برائت بر دوش متهم و تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت، از تأثیرات امنیت‌گرایی در بزه پولشویی است (۱۴).

محدودسازی قلمرو فرض برائت نمایند. در این چارچوب، در واقع، در برخی موارد پذیرش فرض مجرمیت مدنظر قرار می‌گیرد (۱۵). بدین‌سان، معکوس شدن بار اثبات دلیل به عنوان یکی از گونه‌های تحول و استثنایی بر فرض برائت در برخی جرایم مهم و سازمان‌یافته فراملی، در جهت ایجاد تعادل میان دو مفهوم حقوق شهروندی و امنیت، شکل گرفت. امری که از توجیهاتی برخوردار شده است. شاید لازمه اجرای عدالت در خصوص برخی از ناقضان قانون، قراردادن بار اثبات دلیل بر دوش آنهاست.

محدود کردن پهنه موسع حقوق و آزادی‌های فردی شهروندان مطابق با کنوانسیون‌ها و اسناد فراملی و حتی موازین حقوق داخلی، باید بر قواعدی استوار باشد. این قواعد مشتمل بر این است که این محدودیت‌ها مقرر در قانون باشد و در راستای دستیابی به هدفی مشروع مدنظر قرار گیرد. همچنین ضروری بودن آن برای نظم اجتماعی مؤلفه دیگری است که باید مدنظر قرار گیرد. بدین‌ترتیب، محدودسازی قواعد و اصول حقوق بشری، باید برخوردار از قیدهای مذکور باشد.

افزودنی است که تقابل میان حقوق و آزادی‌های فردی شهروندان و تأمین نظم و امنیت عمومی همواره موضوع چالش‌برانگیزی در سطح جوامع بوده و چگونگی تعامل میان آنها، موضوع بحث‌های گوناگونی قرار گرفته است. از نگاه برخی نظریه‌پردازان، تحدید مشروع آزادی‌های بشر، در چارچوب صیانت از ذات، میسر است و تنها زمانی که این‌اگر به خطر مواجه شود، محدودسازی در حد نیاز امکان‌پذیر است (۱۶).

بر این‌اساس، تلاش جهت ضابطه‌مندسازی و نظارت فراملی بر چگونگی اعمال حقوق بشر در کنار قدرت حاکمیت‌های ملی بر اساس قوانین اساسی، به ویژه به واسطه در اختیار قرار داشتن قوای قضایی، مکملی قوی در تقویت احترام الزامی دولت‌ها به کرامت و ذات بشری محسوب می‌گردد. امنیت ملی همواره ارزش مهم ولی مفهومی محدودیت‌ساز برای آزادی‌ها و حقوق عمومی به شمار می‌رود. از این‌رو، آزادی‌گفتار در چارچوب این محدودیت همواره مورد تحدید قرار گرفته است. با این‌حال، رعایت اصل قانونی بودن در خصوص هرگونه محدودیت، توأم با اهداف مشروع و در حد ضرورت بودن این محدودسازی در یک جامعه دموکراتیک، سه قید یاد شده را باید در بر داشته باشد (۱۷).

بی‌تردید، مهم‌ترین هدف حاکمیت قانون نیز کنترل اعمال خودسرانه قدرتی است که در اختیار مقامات حکومتی است. اصول حاکم بر تحدید بر اهداف مشروعی چون امنیت ملی، سلامت عمومی، رفاه اقتصادی و... مبتنی است که از آنها تحت عنوان مصلحت عمومی یاد می‌شود (۱۸).

امنیت‌گرایی و شهروندمداری

حقوق کیفری کلاسیک بر ایده اصلاح و درمان و بازپروری مبتنی بود و حقوق بشر و شهروندمداری را مدنظر قرار می‌داد. با گذشت زمان، ضعف‌های این الگو، در خصوص برخی از بزهکاران مانند بزهکاران به عادت و تکرارکنندگان جرم و جرایم سازمان‌یافته و تروریستی، آشکار شد و بازاندیشی‌هایی در رویکرد موجود صورت

پذیرفت. امری که منجر به جایگزینی سیاست جنایی مبتنی بر سخت‌گیری در امریکا و سپس در برخی کشورها شد. افزون‌بر این، مرتکبان جرایم تروریستی یا جرایم سازمان‌یافته به علت کم بودن احتمال شناسایی یا دستگیری و حتی بی‌تاثیر بودن محکومیت احتمالی بر آنها، زمینه‌ساز شکل‌گیری سیاست جنایی امنیت‌مدار شد. مواجهه حقوق کیفری در مفهوم کلاسیک با گونه‌های نوین بزهکاری مانند بزهکاری سایبری و پولشویی، به ویژه زمانی که از اوصاف سازمان‌یافته و فراملی برخوردار می‌شوند، زمینه‌ساز شکل‌گیری مفهوم حقوق کیفری امنیت‌مدار شد که از گذر دشمن‌شماری بزهکاران، بر اتخاذ رویکردهای سخت‌گیرانه تأکید می‌کند. ناکارآمدی تدابیر اصلاحی و نگاه درمان‌محوری که به بزهکاری به عنوان امری قابل اصلاح نگرسته می‌شد و دفاع از جامعه را در اصلاح و نجات بزهکاران می‌دید، مه در طرد و کنارگذاری آنان، اعمال تضمینات دادرسی عادلانه در کلیه مراحل رسیدگی کیفری را در راستای بازاجتماعی‌سازی و جلوگیری از مبدل شدن آن به بزهکار مزمن یا دشمن جامعه، تجویز و توصیه می‌کرد. با این‌حال، سیاست جنایی امنیت‌مدار و دشمن‌محوری که در دو دهه اخیر مورد توجه قرار گرفت، فرد مجرم را دشمن و تهدیدکننده نظم و امنیت عمومی تلقی می‌کند که برخورد شدید و سخت‌گیرانه با او را مورد تجویز قرار می‌دهد. در واقع، بهانه امنیت به دستاویزی تبدیل شده تا حداقل در خصوص برخی جرایم مهم و سازمان‌یافته، از حقوق کیفری شهروندمدار عقب‌نشینی شود.

بر این‌اساس، به عنوان نقطه مقابل حقوق کیفری کلاسیک، مسئولیت بر مبنای ملاحظات اجتماعی مدنظر قرار می‌گیرد و عدم تناسب میان جرم و کیفری و تنفر از بزهکاری تجویز می‌شود. در این رویکرد، بزهکاری نوعی خصومت با نظم حاکم بر اجتماع به شمار می‌رود و در یک نگاه دشمن‌انگارانه و غیر خودی به مجرم، گفت‌مان تهاجم به بزهکار مورد نظر قرار می‌گیرد. همچنین، با عنایت به اینکه بزهکاران نسل جدید در واقع منکر نظم موجود هستند و بنیان و اساس نظم سیاسی یک کشور یا حتی نظم عمومی بین‌المللی را تهدید می‌نمایند، گفت‌مان غالب مقنن در این موارد نیز، گفت‌مان «طرد و دفع» به جای «جذب و ادغام» است؛ یعنی جامعه در پی اصلاح و درمان آنها نیست و حتی جهت رعایت اصول دادرسی عادلانه در مورد آنها، سرمایه‌گذاری متعارف هم نمی‌نماید.

افزون‌بر موارد فوق، مطابق مبانی حقوق کیفری امنیت‌مدار، مفهوم خطرناکی جایگزین مفهوم تقصیر یا مجرمیت می‌شود. امری که تناسب میان جرم و مجازات را منتفی می‌کند. منظور از حالت خطرناک در این رویکرد، تحدیدی است که جرم و مجرم برای جامعه و نظم عمومی به بار می‌آورد. یعنی بزهکاری که برای جامعه به نحوی آگاهانه خطر ایجاد می‌کند، او، هم ظرفیت مجرمانه بالایی دارد و هم ظرفیت و قابلیت جامعه‌پذیری و انطباق بالا و این خصوصیت آنها شبیه مجرمین یقه‌سفید است.

بدین‌سان، با وجود تلاش‌های حدود پنجاه‌ساله سیاست جنایی کلاسیک، در توسعه مفهوم شهروندمداری، دستاوردهای حقوق بشری به واسطه فشارهای بزهکاری منجر به شکل‌گیری تغییرات در سیاست جنایی به سمت امنیت‌مداری شده است. از این‌رو،

هزینه بر تلقی می‌شد. اینان اقدام‌های مبتنی بر اصلاح و درمان مجرمان را بر اساس یافته‌های اصول پزشکی، روان‌شناختی، روان پزشکی و اجتماعی، به عدم کارآیی در برابر تکرار جرم، هزینه بر بودن و حتی تحت انقیاد درآوردن روح در خدمت قوای حاکم و بهره‌کشی از مجرم با عنوان اقدام‌های انسانی و درمانی بدون رعایت حقوق دفاعی و انسانی او متهم نمودند (۱۹).

در این چارچوب، استدلال می‌شد که نگاه بازپروانه به مجازات، آن را به حد درمانی کاهش داده است. در این راستا، از دهه ۱۹۸۰ و با ورود جرم‌پوشویی به پهنه نظام عدالت کیفری، نگرش‌های مدیریتی شکل گرفت. در این دیدگاه، که از آن با عنوان عدالت تخمینی نیز یاد می‌شود، تحلیل و تجزیه بزه کنار گذاشته می‌شود و ریسک بزه همچون سایر ریسک‌های موجود مورد ارزیابی و سنجش قرار می‌گیرد. در واقع، دیدگاه‌های جدید به جای آنکه به بحث و تجزیه و تحلیل جرم و علل شکل‌گیری آن بپردازند، با رویکردی مدیریتی، ریسک ارتکاب جرم را همانند سایر ریسک‌هایی که در حوزه‌های اقتصادی، بیمه و غیره وجود دارند، مورد ارزیابی و سنجش قرار داده و آنگاه آن را مدیریت می‌کنند (۱۷).

حاکم شدن این دیدگاه مبتنی بر امنیت، به خصوص به بزهکاری سازمان‌یافته، با توجه به اینکه هر جرمی می‌تواند به شکل سازمان‌یافته ارتکاب یابد، منجر به حاشیه رانده شدن رویکردهای حقوق بشری شده است. در رویکرد مدیریت ریسک، استفاده با بهره‌وری بالا از منابع موجود مادی و انسانی، مدنظر قرار می‌گیرد. تحقیقات نشان می‌دهد که قسمت عمده‌ای از جرایم، توسط درصد ناچیزی از افراد ارتکاب می‌یابد به گونه‌ای که ۵ تا ۶ درصد از بزهکاران، ۵۵ تا ۶۰ درصد از جرایم را مرتکب می‌شوند و ۹۴ تا ۹۵ درصد، مرتکب سایر جرایم هستند؛ بنابراین، یک هسته فعال از بزهکاران وجود دارد که آنها را «هسته‌های مقام بزهکاران» یا «بزرگان پایدار» می‌نامند (۱۵).

منطق این رویکرد بر این امر استوار است که منابع محدود باید با هوشمندی مورد استفاده قرار گیرد و به جای آنکه همه دسته‌های بزهکاران به طور یکسان از منابع بهره‌مند گردند باید منابع را به گروه‌های پرریسک اختصاص داد. رهیافت این رویکرد که از منطق نظام بیمه‌ای برخوردار است هرچه اموال و اشخاص را پرریسک‌تر بداند، حق بیمه را افزایش می‌دهد. بر این اساس، هر میزان که ریسک وقوع جرم و تکرار آن بیشتر باشد ضروری است تا سرمایه‌گذاری کیفری و کنترل شدیدتری بر آن اعمال شود.

این امر افزون بر ریسک تکرار جرم، ریسک شدت جرم ارتكابی را نیز مدنظر قرار می‌دهد. برای مثال، هرچه ریسک وقوع و ریسک شدت جرم‌پوشویی در بخشی خاصی افزایش یابد، به همان میزان اقدامات و تمهیدات ضروری برای کنترل آن اعمال می‌شود. همین امر را می‌توان از دلایل رویکرد افتراقی به تحصیل دلیل و بار اثبات جرم‌پوشویی دانست. بر این اساس، اعمال کنترل و تمهیدات بیشتر برای مقابله با این جرم و نگاه ریسک‌مدارانه به آن، شدید بودن و مهم شمردن آن را توجیه می‌کند. در رویکردهای جدید، می‌توان بزهکاران را به دو دسته پرریسک و کم ریسک تقسیم‌بندی کرد.

ناکارآمدی رویکرد دادرسی کیفری در مقابله مؤثر جرایم از یک سو، و ضرورت حفظ ملاحظات امنیتی از سوی دیگر، چالش حفظ اصول یا عدول از بخشی از آنها را پیش روی سیاستگذاران قرار داده است.

بکارگیری رویکرد آیین دادرسی افتراقی پیرامون برخی از جرایم مهم مانند پولشویی را می‌توان در چارچوب این گفتمان مورد تحلیل قرار داد و آن را به عنوان گونه‌ای از امنیت‌گرایی مورد تحلیل قرار داد. اگرچه در چارچوب، شکل‌گیری و افزایش انواع نوین بزهکاری و توسعه جرایم فراملی، مانند تروریسم اقتصادی، امنیت‌گرایی را می‌توان به نوعی موجب تثبیت حاکمیت امنیت و نظم ملی در جامعه دانست. جابه‌جایی بار اثبات دلیل، اقدامات پلیسی گسترده، دخالت در حریم خصوصی و خلوت اشخاص و مخدوش نمودن این حق قانونی از طریق توسل به «اقدامات پیشگیرانه وضعی-فنی» از جرم و نیز تشکیل نظام جامع نظارتی و کنترلی داخلی برای بانک‌ها و سازمان‌های غیربانکی به منظور جلوگیری و کشف تمامی اشکال پولشویی و اتخاذ تدابیر و رویه‌هایی جهت اجرای آن از جمله تدوین مقرراتی که در پی آن، راهکارهای مناسب جهت رفع موانع احتمالی ناشی از اجرای قوانین رازداری بانکی اندیشیده شود و غیره، همگی از زمره مصادیق رویکرد امنیت‌گرا بوده و می‌تواند به مثابه نقض بارز کلیه قوانین داخلی کشورها و اسناد بین‌المللی، خصوصاً اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به شمار رود.

افتراقی شدن آیین رسیدگی در بزه پولشویی افتراقی شدن دادرسی کیفری که نمود بارز آن درتحصیل دلیل بروز می‌کند، روند بارز اثبات را از سوی متهم به سوی دادستان، تغییر می‌دهد. در واقع، در برخی جرایم همچون پولشویی، روند تحصیل دلیل مبنی بر اثبات مجرمیت با تغییر جهت در بار اثبات متوجه متهم می‌گردد و او باید بی‌گناهی خود را به اثبات برساند. از این‌رو، در برخی جرایم به طور استثنایی نحوه تحصیل دلیل با اصول حاکم متفاوت است و شخص برای اثبات بی‌گناهی، ملزم به ارائه دلیل است. در حقیقت، در این موارد دادستان نیاز به ارائه دلیل، جهت اثبات مجرمیت متهم ندارد. از این‌رو، در این گونه جرایم بسیار محدود، استثنایی و در عین حال، روبه رشد، نحوه تحصیل دلیل با اصول و قواعد حاکم بر آن متفاوت است و کسی که باید برای اثبات بی‌گناهی دلیل بیاورد، متهم است، نه اینکه دادستان جهت اثبات مجرمیت متهم، به تحصیل و ارائه دلیل بپردازد.

در حقیقت به خاطر برخی تفاوت‌ها در خصوص این جرایم و مرتکبان آنها، نگاه افتراقی به این گونه از بزهکاری، اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد.

بی‌تردید در شکل‌گیری این رویکرد، تحولات دهه ۱۹۷۰ میلادی و به ویژه انتقادات روزافزون از دیدگاه‌های اصلاح‌گرایانه و بازپروانه جرم‌شناسان و پژوهشگران به خصوص از سوی اندیشمندان امریکایی تأثیرات قابل توجهی داشت. در این نگاه، رویکردهای درمانی و اصلاحی بزهکاران، در سنجه تجربی پزشکی، روان‌شناسی و روان‌پزشکی، در برابر تکرار جرم، ناکارآمد و

گروه نخست از طریق حبس‌های طولانی‌مدت، ناتوان شده و گروه دوم، با برخوردی نرم و ملایم مواجه می‌شوند.

از این‌رو، اداره کارآمد نظام عدالت کیفری در اولویت قرار می‌گیرد و به جای تمرکز بر بازاجتماعی شدن مرتکبان، ناتوانسازی شماری از بزهکاران پربریک، در اولویت امر قرار می‌گیرد. امری که از آن به عنوان احیای مفهوم حالت خطرناک در بستر تاریخی آن یاد می‌شود. بدین ترتیب، که با بازخوانی مفهوم حالت خطرناک در ابعاد گروهی و جمعی، دگرگونی عمیقی در ارتباط با این مفهوم ایجاد کرده و با کم رنگ ساختن صبغه‌های فردی آن، بسترهای جدیدی در این حوزه به وجود آورده است.

در رویکرد کیفری مبتنی بر ریسک، زندان به عنوان یک مجازات سالب آزادی، از کارکرد متفاوتی برخوردار شده است. به طور سنتی زندان محلی برای بازپروری مجرمان و اصلاح آنها به شمار می‌رود. زندان در اندیشه بازپروری و اصلاح، به عنوان درمانگاه مجرمین شناخته می‌شود که قرار است محل اجرای برنامه‌های بازپرورانه باشد. در راستای شکل‌گیری و توسعه اهداف مدیریتی جرم، این مفهوم تغییر کرده و زنده تبدیل به محل انباش توده‌های مجرمان پربریک به عنوان زباله‌دان اجتماعی شده است که ضایعات جوامع انسانی و تفاله‌های برجامانده از تحولات اجتماعی را در خود جای می‌دهد. از این‌رو، نسبت به گونه‌ای خاص از متهمان همچون متهمان جرم پولشویی زندان از چنین کارکردی برخوردار است. در حقیقت، نگاه به متهمان دیگر به یک شکل نیست و آنها در دسته‌بندی‌های مختلفی قرار گرفته‌اند و برای هر یک تدابیر خاصی پیش‌بینی شده است.

مفهوم استقلال جرم پولشویی از جرایم منشأ

بزهکاران اقتصادی همچون بزهکاران پولشویی بر اساس منطق حساب‌گری، باید مطلع باشند که از یک طرف، احتمال محکومیت آنها به جرم منشأ و از طرف دیگر، محکومیت به پولشویی به عنوان یک جرم مستقل وجود دارد.

یکی از موارد بسیار مهمی که در خصوص جرم پولشویی همواره مورد تأکید قرار می‌گیرد، ضرورت استقلال این جرم نسبت به جرم منشأ است. این تأکید از اسناد بین‌المللی نشأت گرفته و در حال حاضر در قوانین و مقررات داخلی نیز نمود یافته است. در این رابطه تبصره ۳ ماده ۹ قانون مبارزه با پولشویی و ماده ۱۴۶ آیین‌نامه اجرایی آن قابل ملاحظه است:

تبصره ۳ ماده ۹ قانون مبارزه با پولشویی: «مرتکبین جرم منشأ در صورت ارتکاب جرم پولشویی علاوه بر مجازات‌های مقرر مربوط به جرم منشأ، به مجازات‌های پیش‌بینی‌شده در این قانون نیز محکوم خواهند شد. مرتکبین جرم پولشویی در صورت عدم ارتکاب جرم منشأ صرفاً به مجازات مقرر در این ماده محکوم می‌شوند.»

ماده ۱۴۶ آیین‌نامه اجرایی قانون مبارزه با پولشویی: «قوة قضائیه مکلف است ضمن رعایت ماده (۳۰) قانون آیین دادرسی کیفری و تبصره‌های ذیل آن، با همکاری مرکز نسبت به آموزش مستمر مقامات و کارکنان قضایی و ضابطین دادگستری در خصوص جرایم پولشویی و تأمین مالی تروریسم و ابعاد حقوقی آن به‌عنوان جرم

مستقل اقدام کند. تبصره- ضوابط اجرایی این ماده حداکثر ظرف مدت شش ماه توسط قوة قضائیه با همکاری مرکز تدوین می‌گردد.» بدین سان، مفهوم استقلال جرم پولشویی نسبت به جرایم منشأ در دو بُعد قابل بررسی است؛ نخست؛ بعد تقنینی و دوم؛ بعد قضایی. در بعد تقنینی، استقلال جرم پولشویی نسبت به جرایم منشأ بدین معنا است که قانون‌گذار باید پولشویی را به عنوان یک جرم مستقل تعریف کند و برای آن کیفری تعیین نماید. بنابراین، در صورت ارتکاب جرم منشأ و ارتکاب جرم پولشویی عوائد ناشی از آن جرم منشأ توسط یک شخص، قواعد تعدد جرم در خصوص وی قابل اجرا خواهد بود؛ زیرا شخص مرتکب دو جرم با جرم‌نگاری و کیفرگذاری مستقل شده است. این امر بدین معناست که اگر شخص «الف» مرتکب جرم منشأ شود و شخص «ب» مرتکب جرم پولشویی عوائد ناشی از ارتکاب جرم منشأ شخص «الف» شود، «الف» با وجود سایر شرایط به مجازات جرم منشأ و «ب» با وجود سایر شرایط به مجازات جرم پولشویی محکوم خواهند شد. بدیهی است اگر قانون‌گذار برای پولشویی انواع مختلفی از عواید حاصل از جرم، مجازات متفاوتی در نظر گیرد، این مسئله منافاتی با استقلال جرم پولشویی ندارد و همین که مجازات مستقلی برای جرم پولشویی تعیین شود، تأمین‌کننده استقلال این جرم نسبت به جرایم منشأ است.

بدین ترتیب، آنچه در ایجاد شرایط استقلال جرم پولشویی، از حیث تقنینی، نسبت به جرایم منشأ وجود دارد این است که نخست؛ جرم پولشویی به معنای همکاری یا معاونت در ارتکاب جرم منشأ؛ یعنی دارای یک حالت تبعی صرف، نباشد، دوم؛ مجازات مرتکب جرم پولشویی منوط به صدور مجازات یا محکومیت مرتکب جرم منشأ نباشد، سوم؛ ضرورتی بر وحدت مرتکب جرم منشأ و مرتکب جرم پولشویی وجود نداشته باشد یعنی برای ارتکاب جرم پولشویی، شخص نباید خود مرتکب جرم منشأ شده باشد یا در ارتکاب آن نقش ایفا کرده باشد. دو مورد اول، در نظام قانون‌گذاری ایران، با جرم‌نگاری و کیفری‌گذاری مستقل جرم پولشویی به موجب ماده ۲ قانون مبارزه با پولشویی و مورد سوم، به موجب تبصره ۳ ماده ۹ قانون مبارزه با پولشویی با این عبارت که: «مرتکبین جرم پولشویی در صورت عدم ارتکاب جرم منشأ صرفاً به مجازات مقرر در این ماده محکوم می‌شوند»، تأمین شده است.

در بعد قضایی، آنچه در چارچوب مفهوم استقلال جرم پولشویی نسبت به جرم منشأ اهمیت دارد این است که از سوی، تعقیب و تحقیق در خصوص جرم پولشویی نباید وابسته و متوقف بر اقدام در خصوص جرم منشأ باشد؛ زیرا در ابتدای تعقیب و تحقیق پیرامون جرم پولشویی ممکن است ارتباط واضحی بین آن و جرم منشأ مشخصی وجود نداشته باشد. در واقع، ممکن است در خصوص پولشویی عوائد/اموال/دارایی مجرمانه قرائنی وجود داشته باشد که در این صورت ضرورت مفهوم استقلال از حیث قضایی این است که نسبت به آن تعقیب و تحقیق صورت گیرد حتی اگر در ابتدای امر در خصوص جرم منشأ خاصی قرائنی وجود نداشته باشد. از سوی دیگر، محکومیت مرتکب در خصوص پولشویی نیز نباید متوقف به صدور محکومیت علیه مرتکب جرم منشأ باشد؛ زیرا جرم منشأ

اثبات دلیل یا اعمال اماره مجرمیت، در تلاشند تا موضع آنها را تقویت کنند. امری که می‌توان آن را لازمه اصل احتیاط در برابر پیشرفت‌های فناوری جهان معاصر دانست.

دشواری اثبات جرم پولشویی

بی‌تردید توسعه مفاهیمی چون مشتری‌مداری در ارائه خدمات بانکی و مالی که هدف اول از آن جذب سرمایه عموم است در کنار شکل‌گیری اصولی چون رازداری بانکی، بستر مناسبی را برای تطهیر درآمدهای ناشی از جرم یا به عبارت بهتر پولشویی ایجاد کرده است. از این‌رو، مبارزه مؤثر با پولشویی در تعارض میان حقوق شهروندی و امنیت اجتماعی و ضرورت مبارزه با پولشویی به واسطه تعدیل اصول رازداری بانکی به معکوس کردن بار اثبات جرم روی آورده است. بر این اساس، به دلیل تسهیل در فرایند تعقیب و اثبات پولشویی، در سال‌های اخیر، همکاری‌های بین‌المللی کشورها در مقابله و پیشگیری از جرایم سازمان‌یافته به ویژه در بعد فراملی توسعه یافته و به اصلی مسلم بدل گشته است.

در حقیقت، هم‌گام با جرایم مرتبط با مواد مخدر، قاچاق اسلحه و انسان، ارتکاب برخی جرایم اقتصادی نیز می‌تواند به عنوان جرم منشأ بزه پولشویی محسوب گردد. امری که از حیث روش‌های جمع‌آوری ادله، کشف جرم و شناسایی بزه‌کاران و تعقیب آنها، روندی دشوار و پیچیده تلقی می‌گردد. امری که توجیهی قوی در جرم‌انگاری مستقل عملیات پولشویی محسوب می‌گردد. یکی از راهکارهایی که با هدف کاهش دشواری جمع‌آوری ادله، کشف جرم و شناسایی مرتکبان مدنظر قرار گرفته است، در پرتو اتخاذ رویکرد امنیت‌گرا، تسهیل روند دستیابی مقام تعقیب به ادله علیه متهم است. در این راستا، چند مورد مهم مورد توجه قرار گرفته است. برای نمونه یکی از راهکارهای مورد استفاده، لزوم احراز هویت مشتریان و افراد از ناحیه بانک‌ها است.

بر این اساس، احراز هویت مشتریان بانکی و روزآمد کردن اطلاعات اقتصادی و شغلی آنها یکی از مهم‌ترین تدابیری است که باید مدنظر قرار گیرد. به ویژه زمانی که ظن به ارتکاب پولشویی وجود دارد ضروری است تا ارائه خدمات متوقف شود و تا پیش از ارائه هرگونه اطلاعات جهت ایجاد شفافیت، از ارائه خدمات خودداری گردد. در حقیقت، مطلق‌گرایی در پذیرش معکوس شدن بار اثبات به دلیل مخالفت با اصل برائت همواره مورد انتقاداتی قرار داشته و بدین جهت که در استفاده از آن افراط نشود، ضروری است تا موارد مربوط به آن صراحتاً در قوانین و مقررات بیان گردد.

تعدیل اصل رازداری بانکی

بی‌تردید یکی از مهم‌ترین جلوه‌های ورود اندیشه رویکرد امنیت-مدار بر پهنه نظام‌های سیاست جنایی و رجحان یافتن آن بر حقوق شهروندی، موضوع تعدیل اصول رازداری بانکی است که با هدف مبارزه مؤثر با جرم پولشویی مدنظر قرار گرفته است. این امر از آن جهت اهمیت دارد که اصل رازداری همواره در جهت ترغیب مشتریان بانکی برای سپردن سرمایه به بانک مورد استفاده قرار می‌گرفته است. با این حال، ضرورت همکاری بانک‌ها و موسسات مالی

ممکن است به جهاتی نظیر فوت مرتکب اساساً هیچ‌گاه مورد تعقیب قرار نگیرد چه رسد به این که محکومیتی در آن زمینه صادر شود. باید توجه داشت آنچه در اثبات جرم پولشویی به عنوان یکی از ارکان تحقق این جرم اهمیت دارد، اثبات مجرمانه بودن عوایدی است که مورد پولشویی قرار گرفته است. بر این اساس، اگرچه برای محکومیت پولشو به مجازات‌های نیاز به محکومیت مرتکب جرم منشأ یا حتی شناسایی، تعقیب و تحقیق در خصوص آن نیست، اما اثبات این مورد که عوایدی که مورد پولشویی واقع شده از منشأ مجرمانه برخوردار است ضرورت دارد. بدیهی است این مسئله خدش‌های به استقلال جرم پولشویی از بعد قضایی وارد نمی‌کند.

گاه مفهوم استقلال جرم پولشویی با معکوس کردن یا تعدیل بار اثبات در این جرم خلط می‌شود؛ برای مثال بیان می‌شود که چون جرم پولشویی یک جرم مستقل است پس لازم نیست جرم منشأ اثبات شود. مسئله استقلال جرم پولشویی مربوط به عالم ثبوت است؛ اما معکوس کردن یا تعدیل بار اثبات به عالم اثبات مربوط می‌شود. برای افزایش اثربخشی نظام مبارزه با پولشویی برخی از نظام‌های حقوقی تحت شرایطی یک یا چند رکن به ویژه رکن حصول عواید از جرم و آگاهی نسبت به آن را تعدیل نموده‌اند، البته این اقدام خاص جرم پولشویی نبوده و در سایر جرایم نیز این کار به ویژه در خصوص رکن روانی سابقه دارد. برخی نظام‌های حقوقی نیز به دلیل مغایرت این کار با اصول اساسی حقوق داخلی راهکارهای جایگزین انتخاب کرده‌اند؛ نظیر جرم‌انگاری رفتارهایی که به طور فاحش مشکوک و غیر معقول به نظر می‌رسد یا تغییر در ارکان جرم پولشویی برای مثال در رکن روانی به جای شرط کردن آگاهی نسبت به حصول عاید از جرم، احتمال آن را برای تحقق جرم کافی دانسته‌اند یا در رکن مادی عواید نامتعارف را نوعی عواید حاصل از جرم تلقی کرده‌اند.

تبصره‌های ماده ۲ قانون مبارزه با پولشویی راهکار دوم یعنی ایجاد جرم جدید را به جای تغییر در بار اثبات انتخاب کرده است؛ بنابراین با وجود این که در نظام حقوقی ما جرم پولشویی یک جرم مستقل به لحاظ تقنینی و قضایی است، اما بار اثبات همچنان بر دوش دادستان قرار دارد، اما جرم‌انگاری جدید تا حد زیادی موجب افزایش اثربخشی در نظام مبارزه با پولشویی شده است.

افتراقی‌شدن تحصیل دلیل

علت افتراقی‌شدن تحصیل دلیل افزود بر شکل‌گیری رویکرد ریسک‌مدار در خصوص برخی مظاهر بزهکاری همچون جرایم سازمان‌یافته، با حجم بالای آسیب‌ها و مخاطرات اقتصادی-سیاسی-اجتماعی این جرم بر پهنه نظام‌های ملی و فراملی توجیه می‌شود. پیشرفت و توسعه فناوری در کنار افزایش رفاه بشری، چالش‌هایی را برای نظام عدالت کیفری به ویژه از حیث کشف جرم و شناسایی مرتکبان ایجاد کرده است. همسو با افزایش امکانات پلیسی، بزهکاران نیز همواره در تلاشند تا از راهکارهای پیچیده برای ارتکاب جرم برای هرچه دشوار ساختن ارتکاب جرم بهره ببرند. از این‌رو، نظام‌های تقنینی جهت افزایش کارآمدی مأموران اجرای قانون در کشف جرایم و شناسایی مرتکبان، با معکوس نمودن بار

آن انصراف دهد و یا بعد از انجام معامله، بدون دلیل منطقی نسبت به فسخ قرارداد اقدام کند. بنابراین با ایجاد شک، مطابق ماده ۱۳۵ آیین‌نامه مذکور، اشخاص، نهادها و دستگاه‌های مشمول موضوع مواد (۵) و (۶) قانون برحسب نوع فعالیت و ساختار سازمانی خود مکلف‌اند در صورت مشاهده معاملات و عملیات مشکوک به پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم، مراتب را بلافاصله و بدون اطلاع ارباب‌رجوع، به واحدهای مبارزه با پول‌شویی در هر دستگاه اطلاع دهند. واحد مذکور نیز باید پس از بررسی اولیه، نسبت به ارسال گزارش به مرکز مطابق با سازوکار اعلامی توسط این مرجع اقدام کند.

جهانی‌شدن و ضرورت تغییر بار اثبات جرم پیشرفت‌های فناوری در کنار ایجاد رفاه برای زندگی بشر، چالش‌هایی را نیز برای نظام عدالت کیفری از ابعاد گوناگونی چون کشف جرم ایجاد کرده‌اند. همسو با گسترش و توسعه پلیس در جوامع، شیوه‌های کشف جرم نیز پیشرفت‌هایی داشته است از این رو، بزهداران نیز همواره برای مصون ماندن خود از شناسایی و کشف جرم، راهکارهای نوین و جدیدی را مدنظر قرار داده‌اند. این امر زمانی که جرم جنبه جهانی به خود می‌گیرد نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌شود. با وجود آنکه بیش از چندصد سال از شکل‌گیری عباراتی چون **Globalization** می‌گذرد این امر همچنان موضوعی نوع، قابل بحث و چالش برانگیز محسوب می‌گردد که نیازمند بررسی از ابعاد گوناگون است. امری که در حوزه علوم جنایی نیز وارد شده و این حوزه را با مباحث نوبی همراه ساخته است.

در طول شکل‌گیری پدیده جهانی‌شدن حقوق کیفری، تحولاتی چون جرایم سازمان‌یافته و جرایم فراملی همواره موضوعی چالش برانگیز محسوب می‌شوند که در سطح نظامات ملی و فراملی موضوع بحث‌های فراوانی می‌باشند. جلوه بارزی از این جرایم، جرم پولشویی است که در شکل پیشرفته خود برخوردار از اوصاف سازمان‌یافتگی و فراملی بودن است. امری که در کنار پیچیدگی و فنی‌شدن این جرم ضرورت اتخاذ نظام خاصی از ادله اثبات پیرامون کشف آن را اجتناب‌ناپذیر ساخته است. در این راستا، معکوس کردن بار اثبات دلیل یا اعمال اماره مجرمیت راهکارهای است که در این زمینه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

از این رو، با توجه به تحولاتی که به ویژه طی سال‌های اخیر در نظام حقوق کیفری جهانی رخ داده، شکل‌گیری دادرسی کیفری جرایم با ویژگی‌های مشخص در آن اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. از این رو، با عدول از برخی اصول حقوق کیفری همچون اصل برائت، تلاش شده تا به نوعی از آثار نامطلوب جرم پولشویی پیشگیری شود. در جرم پولشویی به توصیه کنوانسیون‌های پالمو و مریدا تغییر بار اثبات دلیل و به نوعی عدول از اصل برائت و جایگزینی آن با اماره مجرمیت مدنظر قرار گرفته است. همچنین باید یکی از مبانی این تغییر در بار اثبات را امنیت‌گرایی دانست که بیشتر نیز مورد بررسی قرار گرفت.

و پولی، با نهادهای دولتی در جهت پیشگیری از اخلال در نظام اقتصادی و مبارزه با هر گونه فعالیت مخل این نظم؛ از جمله پولشویی، یافتن راهکارهای مطلوب در ایجاد تعادل در این حوزه را اجتناب‌ناپذیر ساخته است. یکی از مواردی که موجب می‌گردد تا نهادهای مالی مانند بانک‌ها تبدیل به بستر مناسبی برای ارتکاب جرم پولشویی شوند و موجبات مخفی‌نمودن منشأ اصلی پول‌های نامشروع را ایجاد کنند قاعده رازداری بانکی است که مطابق آن، با ایجاد مانع در فاش شدن هویت مشتریان، سبب ترغیب بزهداران به استفاده از نظام بانکی در انجام مراودات بانکی خود می‌شوند. از این رو، تعدیل این قاعده با هدف افزایش امنیت اجتماعی همانند آنچه که در کنوانسیون‌های بین‌المللی آمده ضروری است. به گونه‌ای که نه اصل این قاعده از میان رود و نه وجود آن زمینه‌ساز دشواری در کشف جرم و شناسایی مجرمان را پدید آورد. بر این اساس، توصیه شماره ۹ گروه ویژه اقدام مالی مقرر می‌سازد کشورها باید اطمینان حاصل کنند که قوانین مربوط به رازداری نهادهای مالی، مانع اجرای توصیه‌های گروه ویژه اقدام مالی نمی‌شوند. ماده ۵ کنوانسیون وین نیز به تعدیل این امر اختصاص یافته است.

مورد قابل توجه دیگری که باید مدنظر قرار گیرد این است که در کنار وجود وظیفه احراز هویت و ثبت و ضبط معاملات، تمامی نهادهای مالی و غیرمالی مکلفند تا در صورت مواجهه با عملیات و معاملات مشکوک، اقدام به گزارش‌دهی موارد به مرکز اطلاعات مالی نمایند. اگرچه در نگاه اول این امر با اصل رازداری بانکی در تعارض به نظر می‌رسد اما باید دانست زمانی که ظن بر ارتکاب جرم وجود دارد مصلحت عمومی اقتضا می‌کند تا با نادیده گرفتن حقوق شخصی افراد، در جهت حفظ نظم اجتماعی و تضمین امنیت جامعه، اقدامات شایسته‌ای صورت پذیرد. امری که گاه در قوانین اساسی کشورها مورد توجه قرار گرفته است. برای نمونه می‌توان به اصل ۳۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد که اگرچه بنا را بر مصون بودن حقوق افراد از تعرض دانسته اما نقض آن را در صورت تجویز قانون امکان‌پذیر ساخته است.

در این راستا، بند ۱۲ از ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۴ الحاقی قانون مبارزه با پولشویی به تعریف عملیات مشکوک پرداخته است. بر این اساس، معاملات و عملیات مشکوک شامل هر نوع معامله، دریافت یا پرداخت مال اعم از فیزیکی یا الکترونیکی یا شروع به آنها است که بر اساس قوانین و اوضاع و احوالی مانند ارزش، موضوع یا طرفین آن، برای انسان به طور متعارف ظن وقوع جرم را ایجاد کند؛ نظیر: الف - معاملات و عملیات مالی مربوط به ارباب رجوع که به طور فاحش بیش از سطح فعالیت مورد انتظار از او باشد. ب - کشف جعل، اظهار کذب و یا گزارش خلاف واقع از سوی ارباب رجوع پیش یا پس از آنکه معامله‌ای صورت گیرد و نیز در زمان اخذ خدمات پایه. پ - معاملات یا عملیات مالی که به هر ترتیب مشخص شود صوری یا ظاهری بوده و مالک شخص دیگری است. ت - معاملات یا عملیات مالی که اقامتگاه قانونی هریک از طرفین در مناطق پرخطر (از نظر پولشویی و تأمین مالی تروریسم) واقع شده است. ث - معاملات یا عملیات مالی بیش از سقف مقرر، هرچند ارباب رجوع پیش یا حین معامله یا عملیات مزبور از انجام

Law International 2014, E-book, accessed through Kluwer Arbitration Online Database, available at: (<http://www.kluwarbitration.com/>); Hwang and Lim, 2014.

2. Begzadeh, Jalal (2004). Cases of deviation from fair trial in Iranian criminal law and international conventions, master's thesis in criminal law and criminology, Shahid Beheshti University.

3. Jovanmard, Behrouz (2016). Zero tolerance in American criminal law, Sharq newspaper, No. 906.

4. Agha Babaei, Hossein (2009). The realm of security in criminal law, Research Institute of Islamic Culture and Thought.

5. Shams Natri, Mohammad Ebrahim (2004), the principle of acquittal and cases of deviation from it in criminal law, Ali Qom Education Complex Magazine, No. 14.

6. Khammamizadeh, Farhad (1382). Fighting money laundering in banks and financial institutions; A Look at the Anti-Terrorism Law of the United States of America, Legal Journal, International Legal Affairs Center of the Islamic Republic of Iran, No. 29.

7. Aalipour, Hassan (2007), balance between national security and individual freedoms in dealing with terrorist crimes, doctoral dissertation in criminal law and criminology, Shahid Beheshti University.

8. Saqian, Mohammad Mahdi (2006), The Principle of Equality of Weapons in the Criminal Process (with an emphasis on French and Iranian laws), Legal Journal of Justice, pp. 56 and 57.

9. Qadiri Bahram-Abadi, Rashid (2009). Developments in the study of evidence in the crime of money laundering with an approach to international documents, laws and regulations of Iran and England, master's thesis in criminal law and criminology, Shahid Beheshti University.

نتیجه گیری

جرم پیچیده پولشویی هم با توسل به راهکارها و ادله سنتی نظیر علم قاضی، شهادت شهود، اقرار متهم و نظایر آن قابل اثبات است و هم با تکیه بر ادله نوین الکترونیکی نظیر اسناد و اقرار و شهادت شهود الکترونیکی. به عبارتی، جرم پولشویی با توسل به مجموعه از ادله سنتی نظیر اقرار و شهادت و ادله مدرن نظیر ادله الکترونیکی از یکسو و همینطور ادله عمومی نظیر علم قاضی که برای سایر جرایم نیز کاربردی است. تحولات نظام ادله اثبات کیفری در زمینه جرم پولشویی مؤید اعتبار بیشتر علم قاضی بر مبنای قرائن و امارات فنی-تخصصی از جمله اقدامات کارشناسی، حسابرسی و ردیابی‌های مالی است. در این میان، بنابر تحولات جدید، با حصول ظن نزدیک به علم بر اینکه دارایی و یا وجوه شخص با وضعیت متعارف و نوعی وی همخوانی ندارد بار اثبات تعدیل یا معکوس می‌شود. اصولاً رویکرد حقوق داخلی و اسناد و مقررات بین‌المللی نسبت به ادله اثبات پولشویی چیست و در مقام فرضیه، فرض داشته بودیم که هم در حقوق داخلی و هم در اسناد بین‌المللی در خصوص ادله اثبات کیفری جرم پولشویی قوانینی تصویب شده است و تحولات اخیر در آن و تغییر رویکرد نسبت به اثبات این جرم در حقوق داخلی که منبعث از اسناد و مقررات بین‌المللی نظیر پالرمو است بیش از پیش به کشف جرم کمک می‌کند.

از منظر بار اثبات دعوی، جرم پولشویی به صورت یک استثناء و پدیده افتراقی نسبت به اثبات سایر جرایم درآمده است و این موضوع هم در اسناد بین‌المللی متبلور هست و هم به تبع آن در آخرین تغییرات تقنینی پولشویی در اصلاحات سال ۱۳۹۷ بازتاب یافته است. اصولاً در اثبات جرایم، اصل بر برائت است و به اصل صحت و یا اماره ید و تصرف احترام گذاشته می‌شود و این امور از جمله اصول مسلم حقوق کیفری و دادرسی ناشی از آن است. اما در خصوص پولشویی این موارد با استثناء روبرو شده است و این استثناءها و امور قابل بحث، در چند بخش قابل توجه است، از جمله بخش مهم آن، عدول از اصول مسلم حقوق کیفری نظیر اصل برائت است، همچنین عدول از اماره ید به عنوان یکی از مهمترین امارات حوزه تصرف اموال، همچنین عمل بر خلاف اصل صحت که مجموعه این موارد با مبانی مختلف از جمله امنیتی بودن جرم، حساس بودن، سروکار داشتن با نظام مالی و اقتصادی، تهدید گسترده و غیره در حقوق داخلی و اسناد بین‌المللی نظیر پالرمو توجیه شده است و به عنوان یک دادرسی افتراقی میان بار اثبات پولشویی با سایر جرایم تفاوت ایجاد کرده است که به تبع این امور، قانون مبارزه با پولشویی در آخرین اصلاحات خود در سال ۱۳۹۷، بخش مهمی از این موارد را که در اسناد و مقررات بین‌المللی بازتاب دارد ذیل ماده ۲ قانون مذکور و تبصره‌های سه‌گانه آن وارد حقوق داخلی کرده است و در این خصوص با نوعی تغییر رویکرد تقنینی به نسبت قانون مصوب ۱۳۸۶ مواجه هستیم که تبعاً برای اثبات و کشف جرایمی نظیر پولشویی کاربردی‌تر تلقی خواهد شد.

References

1. Born, Gary, International Commercial Arbitration, Vol. I-III, 2nd edition, Kluwer

University of South Florida Scholar Commons, 2015.

10. Kashfi Ismailzadeh, Hassan (1384). Movements of returning to punishment in the criminal policy of Western countries: causes and effects, specialized journal of Razavi University of Islamic Sciences, pp. 16 and 15.
11. Experiment, Seyyed Ali (2012). Lectures on criminal law, free classes.
12. Najafi-Abrandabadi, Ali-Hossein (1384). Presentations of criminology course; Criminal Policy Criminology and Criminal Law Techniques, Discussions in Criminal Sciences, prepared and edited by Leila Asadi and Betul Pakzad, Shahid Beheshti University Faculty of Law, second semester of the academic year 1383-84.
13. Malmiri Center, Ahmed (2014), Limits of applying human rights in domestic laws and international conventions, Strategic Studies Quarterly, No. 26.
14. Shahriari, Mohammad and Shadmanfar (2019), Mohammad Reza, Differential Procedures in Money Laundering with a Securitization Approach, Azad Legal Research Journal, No. 47.
15. Najafi-Abrandabadi, Ali-Hossein (1390). An introduction to populist criminal policy, preface to the third edition of the book: An introduction to criminal policy, Christian Lazarge, translated by Ali Hossein Najafi-Abrandabadi, Mizan.
16. Safari, Ali (1387). Criminology, developments, fundamentals and implementation of criminal law that deprives freedom, Jungle.
17. Koch-Nejad, Abbas (2004), Limitations of Human Rights in International Documents, Basic Laws Journal, Volume 3.
18. Pak Nahad, Amir (1388). Risk-oriented criminal policy, Mizan.
19. Mulligan, Erin, Evaluating the Social Control of Banking Crimes: An Examination of Anti-Money Laundering Deficiencies and Industry Success,